

این سوی سینما

مذالات و نقدهای سینمایی

فاطمه یوسفی

انتشارات

فرهنگ و سینما

۱۳۹۸

IN SOOYE CINEMA

Beyond the cinema

Fatemeh Yousefi

© 2019 Farhang Va Cinema Press

Cultureandcinema@yahoo.com

Tel/Fax: + 989365077765, 09365077765 Tehran-Iran

ISBN: 978-964-7968-54-6

نام کتاب: این سوی سینما
(مقالات و نقدهای سینمایی)
نویسنده: فاطمه یوسفی
طراح روی جلد: فاطمه یوسفی
چاپ اول: ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶۸-۵۴-۶

www.p.viz.sanadi.moghaddam.com

Cultureandcinema@yahoo.com

فرهنگ و سینما: تهران ۱۳۹۸ | تلفن: ۰۶۶۷۱۷۲۰ - ۰۹۳۶۵۰۷۷۷۶۵ | بها: ۲۹۰۰۰ تومان

سرشناسه: یوسفی، فاطمه، ۱۳۶۲ -

عنوان و پدیدآور: این سوی سینما: مقالات و نقدهای
سینمایی/فاطمه یوسفی

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ و سینما، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۷۸ص.

شابک: ۲۹۰۰۰۰ | ISBN 978-964-7968-54-6

رضایت هرست نویسی: فیبا

موضوع: سینما - ایران - نقد و تفسیر

Motion pictures - Iran - reviews موضوع:

موضوع: نقد سینمایی - ایران

Film criticism -iran موضوع:

رده بندی کنگره: ۱۹۹۳/۵pn

رده بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۶۵۲۵۳

فهرست

پیشگفتار ۵

۱-مقاله‌ها

- نقد و نقادی در سینمای امروز ۹
 بازیگری ایرانی ۱۲
 تنها برای دیده شدن ۳۵
 فیلم یا رمان / تصویر یا نوشتار ۳۸
 ترانه‌های خاطره‌انگیز ۴۵
 سینمای جهان، بازتاب موضوع‌های اجتماعی و حل‌ناشدنی ۶۰

۲- نقد و بررسی فیلم‌های ایرانی

- متری شش و نیم ۷۹- شعله‌ور ۸۲- عمر یخبندان ۹۶- چهارراه استانبول ۸۸-
 دارکوب ۹۰- انزوا ۹۲- تمارض ۹۵- غیرمجاز ۹۸- مصداق ۱۰۱- نسیان ۱۰۲- یک
 قناری، یک کلاغ ۱۰۴- هجوم ۱۰۷- وقتی برگسним ۱۱- رادیگارد ۱۱۲- ابد و یک
 روز ۱۱۴- ایران برگر ۱۱۷- استراحت مطلق ۱۱۹- رخ دیوانه ۱۲۱- آذر، شه‌دخت،
 پرویز و... ۱۲۳- لامپ صد ۱۲۵- طبقه حساس ۱۲۷- خامه‌رنگ ۱۲۹- دوران
 عاشقی ۱۳۰- شیار ۱۴۳- محمد رسول‌الله ۱۳۵- آرایش غلیظ ۱۳۷- مهمان
 داریم ۱۳۸- مهمان مامان ۱۴۰- نهنگ عنبر ۱۴۲- هیچ ۱۴۵- جاده خامه ۱۴۸-
 عرق سرد ۱۵۰- مغزهای کوچک زنگ‌زده ۱۵۱- غلامرضا تختی ۱۵۴.

۳- نقد و بررسی فیلم (فیلم‌های خارجی)

- از گور برخاسته ۱۷۶- دختر گمشده ۱۵۸- جاسمین غمگین ۱۶۱- خلسه ۱۶۳- رنج و
 گنج ۱۶۵- بی‌انتها ۱۶۸- شب‌های کابیریا ۱۷۱- هارولد و ماد ۱۷۳- گراجوئت ۱۷۵.

یشگفتار

کتابی که پیش رو دارید گردآوری بخشی از مقالات و نقدهای سینمایی نویسنده این کتاب است نگاشته شده در سال‌های دهه نود؛ برآمد همه آنچه درباره سینمای ایران آموخته و تجربه کرده‌ام. این همه در جریان این سال‌ها با دیدگانی پراشتیاق و قلمی آرام و شکبیا گزیده شده و بر صفحات رسانه‌های نوشتاری سینمایی به یادگار مانده است. در همه لحظه‌های قلم‌فرسایی کوشیده‌ام پیرو آنچه از بزرگان این پهنه بآب و رنگ فراگرفته‌ام، نوشتارم را به داوری درست و استوار بر دادگری و معرفت بسپرم. برای من معنای واژه نقد آن‌گونه که نوشته و گفته‌اند تعریف ندارد و با کمی تغییر یا با تسیری شخصی می‌گویم که هنر هرگز در پیشگاه داوری قرار نمی‌گیرد و من همه احساس و آلم تجربه‌ام، و تنها همین‌ها، را می‌نویسم.

برای نوجوانی که لبسته سینما و ادبیات بود و سال‌هایی سرشار از شور جست‌وجوگری را در دنیای بساطت در دوران‌های پرتلهاب گذراند، هنر و نویسندگی همه، دلگرمی و درمان بود. در همه ای آغازین که نمی‌دانی پایگاهت کجاست، می‌خواهی بگویی از هر موضوع و مضمون مطلبی که به آن حساس هستی و در پی‌جوی علت‌ها، می‌خواهی از یک رسانه دلخواه همه آنچه را که پنداشته‌ای به دیگران نیز بگویی، اما چگونه، با کدامین ابزار هنری، با چه کلامی و چرا؟

می‌دانستم اندوخته تمام سال‌هایی را که با منم یدز گذرانده و همه را کارگاهی فراگرفته و شنیده‌ها را تجربه کرده‌ام، باید به گونه‌ای از صاف ذهن کنجکاو و کاوشگر رد کنم و قاب تصویر را تبدیل به اثری کنم در چهارگوشه رستا. آنگاه همه را در قالب شکل‌یافته‌تری جان دهم که شاید کتاب می‌بود و... شاید این همه منم هم بیش از تصویر در کلام، قدرت بسط و حضور بیشتری داشته باشد و می‌دانستم عالم خیال ساحت لذت است و جولانگه روح پرستیدنی هنر و معنا.

و حال در جست‌وجوی میعادگاهی بودم که همه عمر در خواب و رویا آن را می‌دیدم. آری کجا و چگونه می‌توانستم این ره‌توشه را بر خانه‌ای امن بنشانم و آنچه در چننه دارم را بر کدام شاخه‌ها و شاخه‌ها بنشانم و در بوته آزمون قرار دهم؟ در یک روز پاییزی از سال ۱۳۹۲ در حالی که خود را به تقدیر سپرده بودم و می‌دانستم پروردگارم مرا به بهترین اندیشه‌گاه‌ها رهنمون خواهد بود، وارد دفتر کاری شدم انجمن‌گونه و آکنده از شوق و شور و انگیزه. جایی که به اندازه واژه فرهنگ حرمت

داشت و به گستردگی سینما چشم‌انداز! شنیدم و یافتم که در این فرهنگ‌خانه می‌توانی خودت را بیایی و کدام کامیابی گوارتر از این خودیابی؟!

کمی به پیش بازمی‌گردم؛ به زمان‌هایی که دانش و هنر فیلمسازی و تدوین را در دانشگاه به انجام رسانده بودم و دوره‌های نقادی و فیلمنامه‌نویسی را در بنیاد فارابی می‌گذراندم. با توفیق آشنایی با بزرگان و خبرگان سینما و ادبیات و کسب گواهینامه نقدنویسی و چند تجربه ساخت فیلم کوتاه مستند و انیمیشن وارد ماهنامه فرهنگ و سینما شدم. اینجا همان خانه‌ای بود که می‌توانستم این ره‌توشه را بر زمین بنشانم و آنچه در پشته داشتیم را در بوته آزمون بگذارم. همان جایی که هر آنچه پیشتر درباره بخت و اقبال خوانده و شنیده بودم به چشم خود می‌دیدم.

در این خانه فرهنگ و سینما بود که اقبال حضور کنار آقای پرویز صمدی مقدم، مدیر و سردبیر کتاب ماه فرهنگ شد. حال هر آنچه می‌نوشتم سردبیر با شوق و بردباری می‌گرفت و از من به بحث می‌گذاشت و می‌یافتم ریشه سخن را و می‌فهمیدم جان مفاهیم آشکار و پنهان را. به تدریج و حال داشت برای چندباره شنیدن و خواندن کلامم تا به نابی و گواری می‌رسید. چنان بخشنده این کار را می‌کرد که هرگز و در هیچ گذرگاهی از زندگی نمونه‌اش را تجربه نکردم. کم‌کم دانستم که طی دهه‌ها با همین خوی و شیوه خردمندانه ده‌ها فرزند ادب و هنر را برای خانواده بزرگ سینما و رسانه پرورانده است.

در همان ساعات نخست اولین دیدار همراه با دوستان دیگر به گپ و مناظره نشستیم و بر این گمان افتادم که مدت‌هاست صاحب رای در این خانواده هستیم. همین شد که خود را سپاسگزار همه‌چیز در این ماهنامه دانستم. هر آنچه می‌توانم و می‌خواهم را از آن دریغ نورزم.

همزمان تحصیلات تکمیلی را شروع کردم، رشته گرافیک را به مقطع ارشد پی گرفتم و به پایان رساندم. پیش از همه اینها عکاسی را به‌طور حرفه‌ای در کنار بزرگان این فن گذرانده بودم و توانستم با تلاش و مهر و جسارتی که سردبیرمان به ما می‌بخشید، اولین کتاب خود را در قالب پنج مجموعه عکس (شامل عکس‌هایی که طی دو سال گرفته بودم) با عنوان "پوست و پولاد" در انتشارات فرهنگ و سینما منتشر کنم. این عکس‌ها در گونه‌های مستند، سورئال و منظره‌نگاری با مضمون بقا و فنا، تهیه و گردآوری شده بودند.

در این سال‌ها مقالات، پژوهش‌ها، نقد و بررسی‌های فیلم و عکس زیادی نوشتیم که در نشریات فرهنگ و سینما، سینمای روز و جهان سینما چاپ شدند و از آن میان باز به توصیه راهنماییم شماری را گردآوری و تدوین کردم و این یکی نیز بخت داشت تا در انتشارات فرهنگ و سینما با عنوان «این سوی سینما» به چاپ برسد.

مهمترین ویژگی این نقدها و مقالات که مرا بر آن داشت تا آنها را به چاپ برسانم، همان شیوه نقدنویسی مبتنی بر نگاه عاشقانه به سینمای نوین ایران بود، شریک‌های سرشار از خیرخواهی، آموختن نیک و توصیه به بهتر شدن و پرهیز جدی از بدذخیه‌ی و چابلوسی و منفی‌نگری و... همچنین نگرش‌های نه چندان ژورنالیستی و رعایت سبک و ساقط پژوهشی با تحلیل و تجزیه و واشکافی استوار بر واقعیات سینمای ایران و برگزیدن از هنرگرایی صرف و تلقی فیلم به مثابه اثر مطلق هنری در قیاس با استانداردهای عالی جهانی. و همه اینها در عین کمال‌گرایی از نوع بومی و ملی که ما را به سوی سینمای به‌تمامی ایرانی و متمایز و متشخص در جامعه جهانی سینما هدایت می‌کند.

دست‌آورد دیگری از این جستار به کتاب دیگری خواهد انجامید که در دست تهیه دارم شامل مجموعه مقالاتی در راسی پژوهش‌هایی که در مقطع کارشناسی ارشد پیرامون هنر تطبیقی داشته‌ام و افزون بر آن مقالات و نظریه‌ها و نقدهای عکاسی که در تارنماهای عکاسی حرفه‌ای، عکسخانه، فصلنامه عکاسی منتشر شده‌اند.

این تلاش‌ها را برای عرضه و بیان آنچه می‌تواند با دیگران به اشتراک بگذاری لازم می‌دانم. تا کلام و هوش و شعور هست باید نوشت و دانش هستی در تمام لحظات زندگی در کار است و همین برای ماندگاری کافی است! پس آنگاه، آنچه می‌ماند حقیقتی است که خالق هستی آن را در نهاد همه نهاده است. کافی است کلام مهر نثار دیدگان پرشور خوانندگان کنیم؛ کلامی معجزه‌گر، شفابخش و سرشار از مهر برای مردمان جویای دانستن و یادگرفتن. همان‌گونه که خود از همین آدمیانیم و نیازمند یاری و رهنمود گرامی خوانندگان این کتاب.

فاطمه یوسفی - تابستان ۹۸